

عهد جدید: جلد دوم
زندگی مسیح، بخش ۲

شیطان

دشمن خدا

نویسنده: روت ب. گراینر

طراح: فرانسس ه. هرتسلر

طراح رایانه‌ای: اد اولسون

Translated and edited by
Melena Shahverdian, Sourik Saiad

ترجمه و ویرایش: سوریک صیاد، ملنا شاه‌وردیان

©2009 Bible Visuals International

PO Box 153, Akron, PA 17501

Telephone: 717-859-1131 Fax: 717-859-4360

www.biblevisuals.org

درس اول

دشمن پادشاه جدید

قسمت مورد مطالعه کلام: متی ۲: ۲۳-۱۲، لوقا ۲: ۳۹-۵۲

هدف درس: نشان دادن برتری و بزرگی خدا از شیطان.

آنچه شاگردان شما باید بدانند: برای غلبه بر شیطان باید از خداوند طلب کمک کنند، زیرا عملکرد آنها همیشه هم درست نیست.

آنچه شاگردان شما باید احساس کنند: اشتیاق برای اطاعت از خدا، همانطور که مسیح مطیع بود.

آنچه شاگردان شما باید انجام دهند: از خدا بخواهند تا آنها را کمک کند که مطیع باشند.

رئوس مطالب درسی (جهت اطلاع معلم و شاگردان):

۱. شیطان سعی می‌کند پسر خدا را نابود کند. (متی ۲: ۱۲، ۱۶-۱۸)

۲. خدا از پسرش محافظت می‌کند. (متی ۲: ۱۳-۱۵، ۱۹-۲۳)

۳. کاهنان از حکمت مسیح حیرت می‌کنند. (لوقا ۲: ۳۹-۴۹)

۴. مسیح از خدا و والدینش اطاعت کرد. (لوقا ۲: ۵۰-۵۲)

قابل توجه معلم:

در جلد اول یاد گرفتیم که خدا بصورت انسان به زمین آمد، تولد مسیح و تمام حوادث مربوط به آن را آموختیم. اکنون شهادت بدهید که حقیقاً مسیح پسر خدا است.

در جلد دوم یاد می‌گیریم که چطور شیطان، دشمن خدا، سعی می‌کند تا عیسی مسیح را نابود کند.

شیطان با اراده خدا مخالفت کرده و می‌کند. از همان روزی که شیطان گفت «من مثل خدا خواهم

بود» (اشعیا ۱۴: ۱۴)، همیشه در پی آن بوده که قدرت خود را نشان دهد. ولی این آیه از

کتاب مقدس را که در این مدت حفظ خواهیم کرد حقیقت دارد که «ای فرزندان شما از خدا

هستید و برایشان غلبه یافته‌اید زیرا او که در شما است بزرگتر است از آنکه در جهان است» (اول

یوحنا ۴: ۴).

درس

شما بیاد دارید که در درس گذشته آموختیم که چطور خدا (در خواب) به مجوسیان گفت که به اورشلیم برنگردند و آنها به سرزمین خود برگشتند، در حالیکه هیرودیس منتظر آنها بود تا زادگاه عیسی مسیح را به او بگویند.

بخاطر همین در قصر هیرودیس، اوضاع خوب نبود و هیرودیس آرامش خود را از دست داده بود. می‌توانید حدس بزنید که هیرودیس چقدر عصبانی بود. داد زد: «پس کجایند؟ باید خیلی وقت پیش می‌آمدند. به آن مشرقی‌ها دستور دادم که هر وقت بچه - پادشاه نوزاد را پیدا کردند، برگردند. به چه جرعتی از فرمانم بی‌اطاعتی کردند؟»

۱. شیطان سعی می‌کند پسر خدا را نابود کند.

متی ۲: ۱۲، ۱۶-۱۸

زمانیکه هیرودیس دریافت مجوسیان از مسیر اورشلیم به سرزمینشان بازگشته‌اند، خیلی عصبانی شد. فریاد زد: «مرا فریب دادند! مرا فریب دادند!»

تصویر شماره ۱ را نشان دهید

بلافاصله دستوری صادر کرد و به سربازانش فرمان داد: «بروید و همهٔ پسر بچه‌های نوزاد تا دو ساله را در بیت‌لحم بکشید.»
در حالیکه فرمان قتل‌عام را در دست داشت فریاد زد: «حالا خواهید دید چه کسی پادشاه یهود است. من پادشاه یهود هستم و به غیر از من هیچ پادشاه دیگری نیست. هیچ کس دیگری نمی‌تواند جای مرا بگیرد.»



فوراً سربازان به بیت‌لحم رفتند و خانه به خانه می‌گشتند و نوزادان پسر کمتر از دو سال را می‌کشتند. پدران و مادران گریه و شیون می‌کردند. بچه‌ها خود را پنهان می‌کردند. ولی سربازان به تک تک خانه‌ها می‌رفتند و از فرمان شوم هیرودیس بطور کامل اطاعت می‌کردند.

هیرودیس از این نقشه خود بسیار مغرور شده بود. اما بگذارید این را بگویم که هیرودیس خبر نداشت که در حقیقت داشت نقشه پلید شیطان را انجام می‌داد. شیطان دشمن حقیقی است. زمانی شیطان فرشتهٔ زیبایی بود که نگهبان دروازه‌های آسمان بود، اما مغرور شد و خواست بزرگتر از خدا شود. از آنجایی که غرور گناه است و گناه باید جزا داشته باشد، خدا او را تنبیه کرد و مقام بالایی شیطان را از او گرفت. از آن زمان شیطان سعی کرده مردمی که خدا را می‌پرستند گمراه کند که به جای خدا او را پرستند.

حتماً هیروودیس بسیار خوشحال بود از اینکه دستور او اجرا شده بود. «حالا همه پسرهای بیت لحم کشته شده‌اند! پادشاه یهود مرده است.»

۲. خدا از پسرش محافظت می‌کند.

متی ۲: ۱۳-۱۵، ۱۹-۲۳

اما خدای دانای مطلق، از این نقشه هیروودیس باخبر بود. بنابراین بعد از ملاقات مجوسیان با مسیح فرشته‌ای در خواب به یوسف گفت: «بلند شو و طفل و مادرش را به مصر ببر و آنجا بمانید تا به شما بگویم کی آنجا را ترک کنید. هیروودیس در جستجوی پسر است تا او را بکشد.»

تصویر شماره ۲ را نشان دهید

شب هنگام یوسف مریم و طفل را برداشت و بیت‌لحم را ترک کردند. حتماً پیغام فرشته مرتب در ذهن آنها تکرار می‌شد که هیروودیس در جستجوی طفل است تا او را بکشد. همینطور حرفهای فرشته در فکرشان بود که به مصر بروید و آنجا را ترک نکنید تا به شما خبر دهم.



و خدا آنها را حفظ کرد و به سلامت به مصر رسیدند. خدا نقشه خود را انجام می‌داد، اگر چه شیطان در پی نابودی آن بود.

(توجه: معلم عزیز، در اینجا عکس را بردارید تا زمانی که تصویر شماره ۳ را نشان دهید.)

بعد از اینکه هیروودیس مرد، فرشته به یوسف در خواب گفت: «بلند شو و طفل و مادرش را بردار و به سرزمین اسرائیل برگرد. کسانی که قصد کشتن پسر را داشته‌اند مرده‌اند.» دوباره یوسف از خدا اطاعت کرد و با مریم و عیسی به ناصره، دهی که قبلاً در آن زندگی می‌کردند، بازگشتند. در ناصره عیسی مثل بچه‌های دیگر بزرگ می‌شد، ولی او فرق بزرگی با دیگران داشت و آن فرق این بود که او همیشه پسر خوبی بود. او هیچوقت همبازیهایش را اذیت نمی‌کرد و همیشه از پدر و مادرش اطاعت می‌کرد. هیچوقت مغرور یا حسود نبود. هرگز مرتکب خطا نمی‌شد و افکار بدی نداشت!

شیطان حتماً چندین بار سعی کرده بود که مسیح را به دام اندازد تا مرتکب گناه شود، ولی او هیچوقت گناهی کرد (عبرانیان ۴: ۱۵) عیسی مسیح هیچ گناهی نداشت. همیشه بی‌نقص و کامل بود!

۳. کاهنان از حکمت مسیح حیرت می‌کنند.

لوقا ۲ : ۳۹-۴۹

زمانیکه عیسی دوازده‌ساله شد، قوی و حکیم بود و خداوند، پدرش، از او خوشنود بود. حالا آنقدر بزرگ شده بود که می‌توانست به جشن عید فصح برود. عیسی دربارهٔ این عید چیزهای زیادی شنیده بود و او هم مانند بسیاری از مردم همراه یوسف و مردم به اورشلیم رفت.

مریم و یوسف وسایل سفر را آماده کردند. سپس، به همراه بسیاری از دوستانشان برای شرکت در جشن راهی اورشلیم شدند. نمی‌دانیم که سفرشان چند روز طول کشید، اما بالاخره به اورشلیم یعنی پایتخت فلسطین رسیدند. و شگفت‌انگیزتر اینکه هیکل را دیدند، خانهٔ خدا! اگر مردم آنجا می‌دانستند که عیسی پسر خداست، تعظیم می‌کردند و او را پرستش می‌کردند. اما آنها نمی‌دانستند. ساختمان هیکل بسیار قشنگ بود. مردم به پله‌های مرمری آن و ستونهای عظیم چشم دوخته بودند. مذبح قربانی و شمعدانهای طلایی، زیبایی خاصی داشت. عیسی می‌دانست که این خانهٔ پدر اوست. در هیکل سرود می‌خواندند و کاهن قربانیان را ذبح می‌کرد. کلام خدا توسط معلمین شریعت قرائت می‌شد و به این ترتیب جشن تا سال دیگر تمام می‌شد.

مردم به شهرهای خود بر می‌گشتند. یوسف و مردم هم مانند دیگران همراه با دوستانشان راهی خانهٔ خود شدند و در طول راه راجع به جشن صحبت می‌کردند. و همینطور به سفرشان ادامه می‌دادند.

تقریباً یک روز از راهی شدنشان به خانه می‌گذشت که مریم متوجه شد عیسی همراه آنها نیست. او حتی همراه یوسف یا همسالان خود هم نبود. مریم نمی‌توانست عیسی را پیدا کند. یوسف و مردم غمگین به اورشلیم برگشتند. کجا می‌توانستند او را پیدا کنند؟ وقتی به شهر رسیدند، از همه سراغ او را می‌گرفتند: «عیسی را ندیده‌اید؟» و هر بار این جواب را می‌شنیدند: «نه، ندیده‌ایم.»

سه روز به دنبال او می‌گشتند و در آخر سری به هیکل زدند.

تصویر شماره ۳ را نشان دهید

و عیسی را آنجا پیدا کردند. او در میان معلمین شریعت نشسته بود و از آنها سؤال می‌کرد. و آنها از حکمت و دانایی او متعجب بودند.

مریم و یوسف به طرف او دویدند: «ای فرزند چرا با ما چنین کردی. ما چندین روز است ترا جستجو می‌کنیم.»

عیسی به آنها گفت: «چرا به دنبال من می‌گشتید؟ مگر نمی‌دانید که باید در امور پدر خود باشم.»



۴. مسیح از خدا و والدینش اطاعت کرد.

لوقا ۲ : ۵۰-۵۲

یوسف و مریم درست متوجه جواب عیسی نشدند. اما باید به سفر خود ادامه می دادند. عیسی فوراً بر خاست و با آنها به ناصره برگشت.

تصویر شماره ۴ را نشان دهید

او همیشه در منزل از مریم و یوسف اطاعت می کرد. هر روز به یوسف در کار نجاری کمک می کرد. در همه زمینها از پدر آسمانیش اطاعت می کرد. پس عیسی در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می کرد. یک نفر عیسی را دوست نداشت و او کسی نبود جز شیطان. در ابتدای درس دیدیم که چطور شیطان می خواست عیسی را بکشد، اما موفق نشد. در درس بعدی خواهیم دید که چطور شیطان دوباره سعی دارد عیسی را که مرد جوانی شده از بین ببرد. اما همواره به یاد داشته باشید که پدر آسمانی و پسرش هرگز مغلوب نمی شوند.



(معلم عزیز، شما نیاز شاگردانتان را می دانید. آنها درک می کنند که با مسیح دقیقاً مانند پسر خدا نیستند. همیشه کار درست را انجام نمی دهند. [البته ما معلمها هم گاهی اشتباه می کنیم!] شیطان نیرومند است. اما ما و شاگردانمان می توانیم با طلب کمک از خداوند بر دشمن خدا یعنی شیطان غلبه کنیم. دعای ما این باشد که ما نیز مانند عیسی در همه زمینها مطیع خداوند باشیم. باشد که با کمک خدا در زندگی مسیحی پیروز باشیم.)



درس ۱: تصویر شماره ۱



درس ۱: تصویر شماره ۲



درس ۱: تصویر شماره ۳



درس ۱: تصویر شماره ۴

درس دوم

تعمید و وسوسه عیسی مسیح

قسمت مورد مطالعه کلام: متی ۳: ۱-۱۷، ۴: ۱-۱۱، مرقس ۱: ۱-۱۳، لوقا ۳: ۱-۱۸، یوحنا ۱: ۶-۸، ۱: ۱۵-۳۴

هدف درس: عیسی مسیح همیشه اراده پدر را انجام داد.

آنچه شاگردان شما باید بدانند: عیسی با استفاده از کلام خدا شیطان را مغلوب کرد.

آنچه شاگردان شما باید احساس کنند: با قدرت خودشان نمی‌توانند همیشه کارهای درست را انجام دهند.

آنچه شاگردان شما باید انجام دهند: آیات کتاب مقدس را حفظ کنند و به خدا ایمان داشته باشند که آنها را در وسوسه‌ها کمک خواهد کرد.

رئوس مطالب درسی (جهت اطلاع معلم و شاگردان):

۱. خدا اعلام می‌کند که عیسی پسر او است. (متی ۳: ۱-۱۷، مرقس ۱: ۱-۱۱، لوقا ۳: ۱-۱۸، یوحنا ۱: ۶-۸، ۱۵-۳۴)

۲. عیسی از نافرمانی پدر سر باز می‌زند. (متی ۴: ۱-۴، مرقس ۱: ۱۲-۱۳)

۳. عیسی از نشان دادن عظمت خود، خودداری می‌کند. (متی ۴: ۵-۷)

۴. عیسی از پرستش شیطان امتناع می‌کند. (متی ۴: ۸-۱۱)

آیه حفظی:

ای فرزندان، شما از خدا هستید و بر ایشان غلبه یافته‌اید زیرا او که در شماست، بزرگتر است از آنکه در جهان است. (اول یوحنا ۴: ۴)

درس

درس گذشته درباره چه بود؟ (معلم: با طرح سئوالات متعدد به شاگردان کمک کنید. سئوالات زیر برای نمونه آورده شده‌اند.)

۱. شیطان چطور می‌خواست پسر خدا را وقتی که تازه به دنیا آمده بود نابود کند؟ (شیطان هیروودیس را آتقدر حسود کرده بود که تلاش کرد پادشاه تازه‌مولودی را که مجوسیان درباره‌اش خبر داده بودند را نابود کند.)

۲. عیسی مسیح چند ساله بود که یوسف و مریم او را در هیکل پیدا کردند؟ او در هیکل چه می‌کرد؟ (او با حکمیان در هیکل اورشلیم بود.)

۳. عیسی مسیح در خانه چطور پسری بود؟ (او همیشه از مریم و یوسف اطاعت می‌کرد).
۴. آیا عیسی خداوند هرگز وسوسه شد تا کار خطایی انجام دهد؟ (بله، او وسوسه شد ولی گناه نکرد).

قابل توجه معلم:

این درس برای کسانی که ایمان آورده و وارد خانواده الهی شده‌اند مفید است. اسلحه‌ای که عیسی خداوند در برابر شیطان استفاده کرد کلام خدا بود. وقتی کلام خدا را یاد می‌گیریم و از آن اطاعت می‌کنیم، کلام به ما کمک کرده و با عث پیروزی ما را در برابر شیطان می‌شود. هنگام تهیه این درس، باید قسمت‌های مختلف کتاب مقدس را مطالعه کنید. اناجیل از این وقایع ما را مطلع می‌کنند. بنابراین، با دقت قسمت‌های مختلف را با دقت و همراه با دعا مطالعه کنید.

ما چیز زیادی از ۱۲ سالگی تا وقتی که مسیح بالغ شد نمی‌دانیم، به جز اینکه او شاگرد نجار بود. از ۳۰ سالگی تا مرگ و قیام مسیح، کتاب مقدس اطلاعات زیادی در اختیار ما قرار داده است. در درس امروز، درباره سعی و تلاش دوباره شیطان برای نابودی مسیح می‌آموزیم.

جمعیت زیادی به سمت بیابان می‌رفت. بیابان معمولاً محل ساکتی بود. اما در این روز خاص مردم زیادی خانه‌هایشان را در اورشلیم و روستاهای اطراف یهودیه ترک می‌کردند و به سمت بیابانی نزدیک رود اردن می‌رفتند. چرا مردم به آنجا می‌رفتند؟ آنها برای دیدن مرد عجیبی می‌رفتند که کمر بند چرمی به کمر می‌بست و لباسهایش از موی شتر بافته شده بود. او مدتی بود که در بیابان زندگی می‌کرد و غذایش ملخ و عسل بود.

او دیگر تنها نبود. مردم از همه نقات برای شنیدن حرفهای او می‌آمدند. آنها صدایش را می‌شنیدند که پیغام خدا برای ایشان بازگو می‌کرد: «روش زندگی‌تان را عوض کنید و تعمید بگیرید و خداوند گناهان شما را می‌بخشد. از گناهان خود برگردید و به راستی زندگی کنید زیرا که ملکوت خداوند نزدیک است و پادشاه به زودی می‌آید.»

مردم با اشتیاق به این حرفها گوش می‌دادند. کنجکاو بودند. با خود می‌گفتند که این مرد کیست؟ آیا همان مسیحی یا ماشیح است؟ آیا او همان ماشیحی است که انبیا درباره‌اش گفته بودند؟ مردی که در بیابان زندگی می‌کرد مسیح موعود نبود. او یحیی تعمید دهنده بود.

وقتی مردم دور او جمع می شدند، یحیی از مردم دعوت می کرد: «من شما را با آب تعمید می دهم ولی کس دیگری است که بعد از او می آید و از من بزرگتر است و من حتی لایق بستن بند کفشهایش هم نیستم.

بسیاری این سخنان را شنیدند، از گناهان خود پشیمان شدند و تصمیم گرفتند که زندگی گناه‌آلود خود را عوض کنند. آنها می خواستند خدای واقعی را خدمت و از او اطاعت کنند، همان کاری که یحیی تعمیددهنده انجام می داد. پس از او خواستند تا آنها را در رود اردن به نشانه بازگشت از گناهان و توبه از آنها تعمید دهد.

۱. خدا اعلام می کند که عیسی پسر اوست.

متی ۳ : ۱ - ۱۷، مرقس ۱ : ۱ - ۱۱، لوقا ۳ : ۱ - ۱۸، یوحنا ۱ : ۶ - ۸، ۱۵ - ۳۴

روزی شخص ناشناسی به جمعیتی که در بیابان جمع شده بودند ملحق شد. او از ناصره آمده بود و به سخنان یحیی راجع به توبه از گناه گوش می کرد. مرد غریبه به یحیی نزدیک شد. او عیسای مسیح یعنی همانی که یحیی درباره اش موعظه می کرد بود.

عیسی گفت: «من آمده ام که تعمید بگیرم.»

یحیی جواب داد: «حتماً نیامده ای که تعمید بگیری؟ بلکه من از تو می خواهم تا مرا تعمید بدهی؟»

عیسی گفت: «باید چنین شود. این اراده خداست.»

تصویر شماره ۵ را نشان دهید

پس یحیی قبول کرد تا عیسی را تعمید دهد. ولی این با تعمیدهای دیگر فرق داشت. همانوقت که عیسی از آب بیرون آمد ناگهان آسمان باز شد و یحیی روح خدا را دید که همچون کبوتری بر سر عیسی نشست.

و صدایی از آسمان به گوش رسید: این است پسر محبوب من که از او خشنودم. این صدا از آسمان بود، صدای خدای پدر. یحیی فوراً فهمید که او عیسی پسر خدا را تعمید داده است. و روح القدس بر او نازل شده است. خدای تثلیث در رود اردن بود. یحیی متوجه شد که این نشانه نهایی از خداوند است برای اعلام اینکه مسیح پسر خداست. او همان کسی است که پیامبران سالها پیش درباره او پیشگوئی کرده بودند.



چرا خدای پدر از پسر خشنود بود؟ چون پسر از پدر اطاعت کرده بود و به زمین آمده بود.

۲. عیسی از نافرمانی پدر سر باز می زند.

متی ۴ : ۱- ۴، مرقس ۱ : ۱۲-۱۳

ولی شیطان از اینکه عیسی مسیح مدت ۳۰ سال بر روی زمین بدون هیچ گناهی زندگی کرده بود بسیار ناراحت بود. او نمی خواست که عیسی از پدرش اطاعت کند پس تصمیم گرفت که برای مسیح دامی بیندازد تا گناه کند.

بعد از تعمید عیسی، شیطان او را زیر نظر داشت و منتظر زمان مناسب بود. شیطان خیلی خوشحال شده بود از اینکه عیسی را تنها در بیابان می دید. در بیابان فقط حیوانات وحشی زندگی می کردند! ولی خدای پدر مواظب او بود.

تصویر شماره ۶ را نشان دهید

یک روز... دو روز گذشت. عیسی غذایی برای خوردن نداشت. حتماً عیسی خیلی گرسنه بود!

شیطان با خوش فکر کرد: عیسی گرسنه است و حالا می تواند او را گول بزند تا از اطاعت خدای پدر سرپیچی کند.

پس به او گفت: «اگر تو پسر خدا هستی بگو تا این سنگها برایت نان بشوند.» و به سنگهای سخت و زبر بیابان اشاره کرد.

عیسی قدرت انجام هر کاری را داشت. او جهان و همه چیزهای در آن را آفریده بود (یوحنا ۱: ۳، کولسیان ۱: ۱۶، عبرانیان ۱: ۱۰). می توانست به آسانی آن سنگها را به نان تبدیل کند ولی از شیطان اطاعت نکرد. جواب داد و گفت: «مکتوب است که انسان بهر نان زیست نمی کند بلکه به هر کلمه که او دهان خدا صادر می شود.»

برای مسیح مهم نبود که چقدر گرسنه است ولی بیشتر از آن اطاعت اراده پدرش مهم بود. اگر او به آنچه که شیطان گفته بود عمل می کرد از اراده پدر خود سرپیچی می کرد.

شیطان شکست خورد ولی حاضر به تسلیم نبود.

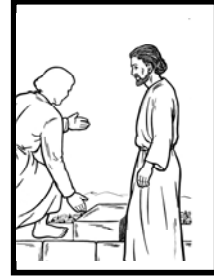


۳. عیسی از نشان دادن عظمت خود، خودداری می کند.

متی ۴ : ۵ - ۷

تصویر شماره ۷ را نشان دهید

شیطان به عیسی گفت: «اگر پسر خدا هستی، خود را از بالای هیکل پایین بینداز» (یهودیان بالای هیکل را رأس هیکل می‌نامیدند). شیطان در ادامه گفت: «در کلام خدا نوشته شده که او فرشته‌هایش را برای محافظت تو خواهد فرستاد. باز هم نوشته که فرشته‌ها تو را در دستهایشان نگه می‌دارند و حتی پاهایت هم زخمی نمی‌شوند»



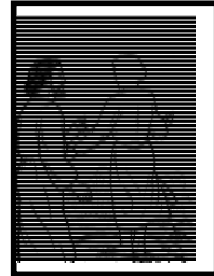
عیسی جواب داد: «مکتوب است که هیچ گاه خدای خود را تجربه نکن.»
بار دیگر مسیح کاری را که درست بود انجام داد و شیطان شکست خورد، ولی باز تسلیم نشد.

۴. عیسی از پرستش شیطان امتناع می‌کند.

متی ۴ : ۸ - ۱۱

تصویر شماره ۸ را نشان دهید

این بار شیطان عیسی را برداشت و او را به بالای قله کوهی برد و از آنجا زیبایی و شکوه دنیا را به او نشان داد. او ثروت، قدرت، و عظمت سرزمین‌ها را نشان داد. شیطان به او گفت: «اگر مرا پرستش کنی تمامی این‌ها را به تو می‌دهم.»
آیا باید به شیطان تعظیم کنیم و همه دنیا را به دست بیاوریم؟ آیا ارزشش را دارد؟
عیسی فرمان داد و گفت: «دور شو ای شیطان، کلام خدا می‌گوید که فقط خدای خود را پرستش کنید.»



شیطان بار دیگر شکست خورده بود. این بار از او پسر خدا اطاعت کرد و دور شد. عیسی بار دیگر ثابت کرد که از شیطان قوی‌تر است. چون او در هر چیز از خدای پدر اطاعت کرده بود. بعد از اینکه شیطان رفت، فرشته‌های خدا آمده از عیسی مراقبت کردند. بعد از آن ۴۰ روز و روزهایی که توسط شیطان وسوسه شد، حالا عیسی چقدر احساس راحتی می‌کرد.
مسیح توسط شیطان وسوسه شد تا گناه کند اما او گناه نکرد. اکنون او سعی می‌کند که ما را به طرق مختلف وسوسه کند تا از خدا سرپیچی کنیم. بدانیم که با قدرت خودمان و به تنهایی قادر به این کار نیستیم بلکه باید کلام خدا را در برابر شیطان بکار ببریم - درست مثل کاری که مسیح انجام داد.
آیا شما کلام خدا را می‌خوانید یا آنرا حفظ می‌کنید؟ زمورنویس در ۱۱۹ : ۱۱ می‌گوید:
«کلام او را در دل خود مخفی داشتم تا مبادا به تو گناه ورزم.» فقط از طریق یادگرفتن کلام خدا می‌توانیم شیطان را شکست بدهیم. آیه حفظی اول درس در اول یوحنا ۴: ۴ به ما کمک می‌کند.

«[خدا] بزرگتر است از آنکه [شیطان] که در جهان است.» خدا از شیطان بزرگتر است. اگر شما فرزند خدا هستید، روح خدا در قلبتان زندگی می‌کند. اگر از او بخواهید به شما کمک می‌کند تا در همهٔ وسوسه‌های شیطان پیروز باشید.

(معلم عزیز، شما باید نیازهای شاگردانتان را برآورده کنید. وقتی به ملاقات شاگردانتان می‌روید، خواهید دید که چگونه این درس در زندگی به آنها کمک کرده است. تشویقشان کنید تا آیات کتاب مقدس را حفظ کنند. عیسی کلام را می‌دانست. به همین دلیل توانست از آیات کلام در برابر شیطان استفاده کند. باید برای شاگردان توضیح دهید که ما به تنهایی قادر به انجام کار درست نیستیم. باید از خدا کمک بخواهیم و به او اعتماد و توکل کنیم. با این کار می‌توانیم در برابر شیطان پیروز شویم.)

دعایی برای معلم:

زمان تهیه این درس باید دعایان این باشد که "ای پدر آسمانی، کمک کن تا حقیقت بزرگ این درس را نشان دهم. کمک کن تا با یقین صحبت کنم و اجازه بده که آیات کلام چنان گویا باشند که همهٔ شاگردان درک کنند که عیسی مسیح به راستی پسر خداست. کمک کن تا به شاگردانم نشان دهم که چگونه اطمینان نجات را کسب کنند. باشد که همهٔ آنها خوشی بخشش از گناهانشان را تجربه کنند."

به یاد داشته باشید که "عیسی مسیح برایتان دعا می‌کند."



درس ۲: تصویر شماره ۱



درس ۲: تصویر شماره ۲



درس ۲: تصویر شماره ۳



درس ۲: تصویر شماره ۴

درس سوم

عیسی در ناصره

قسمت مورد مطالعه کلام: لوقا ۴: ۱۴-۳۰

هدف درس: عیسی مسیح اجازه داد تا قدرت خدا زندگی اش را کنترل و زیر نظر بگیرد.
آنچه شاگردان شما باید بدانند: اگر آنها عیسی را به عنوان نجات دهنده خود قبول کنند، او به آنها قوت خواهد داد که تا خواست خدا را به انجام برسانند.
آنچه شاگردان شما باید احساس کنند: اشتیاق به اینکه اجازه بدهند که عیسی مسیح زندگی آنها را کنترل کند.
آنچه شاگردان شما باید انجام دهند: به عیسی مسیح ایمان بیاورند و او را به عنوان نجات دهنده خود را در زندگی قبول کنند.
رئوس مطالب درسی (جهت اطلاع معلم و شاگردان):

۱. عیسی مسیح عهد عتیق را می خواند. (لوقا ۴: ۱۴-۱۹)
۲. عیسی مسیح کلام خدا را به کمال می رساند. (لوقا ۴: ۲۰-۲۱)
۳. مردم پسر خدا را رد می کنند. (لوقا ۴: ۲۲-۲۸)
۴. شیطان در پی نابودی عیسی مسیح است. (لوقا ۴: ۲۹-۳۰)

آیه حفظی

ای فرزندان، شما از خدا هستید و بر ایشان غلبه یافته‌اید زیرا او که در شماست، بزرگتر است از آنکه در جهان است. (اول یوحنا ۴: ۴)

قابل توجه معلم:

این قسمت بیشتر مواقع فراموش می شود، ولی به اندازه مطالب دیگر اهمیت دارد. همانند دو درس گذشته، این نیز تلاش دیگر شیطان برای نابودی عیسی مسیح است. شیطان معمولاً برای انجام کارش از فرد با اشخاص دیگر استفاده می کند. به خاطر دارید که یک بار از هیرودیس استفاده کرد. در این درس او از همشهری های عیسی استفاده می کند تا عیسی را نابود کند. اما به یاد داشته باشید که شیطان نیرومند است ولی خدا قادر مطلق است! وقتی لوقا ۴: ۱۴-۳۰ را بخوانید، از قدرت خداوند حیرت خواهید کرد. قسمت مورد مطالعه را چند بار بخوانید و در آخر حقیقت اول یوحنا ۴: ۴ برای شما معلوم می شود.

مرور

- در دو درس گذشته دیدیم که چطور شیطان می‌خواست عیسی را نابود کند.
۱. اولین بار چه موقع شیطان خواست عیسی را نابود کند؟ (در زمان تولدش)
 ۲. وقتی مسیح بزرگ شد، شیطان چه چیزی از او خواست؟ (که او را اطاعت کند)
 ۳. اگر مسیح از شیطان اطاعت می‌کرد، آیا امروز ما پسر خدا را پرستش می‌کردیم؟ (خیر)
 ۴. هر بار که شیطان مسیح را وسوسه می‌کرد، مسیح در جواب او از چه چیزی استفاده می‌کرد؟ (کلام خدا)
 ۵. اگر کلام خدا را در دل خود حفظ کنیم، ما را در چه چیزی کمک می‌کند؟ (ما را از گناه حفظ می‌کند؛ مزمور ۱۱۹: ۱۱)

درس

مسیح اگر چه مرد ۳۰ ساله‌ای شده بود ولی هیچ وقت گناهی نکرده بود. شیطان چندین بار سعی کرد که پسر خدا را در گناه بیندازد و او را نابود کند. آیا فکر می‌کنید شیطان برای همیشه تسلیم شد؟ البته که نه! بیایید ببینیم در درس امروز شیطان چه نقشه‌ای دارد.

مردم شهر ناصره، چیزهای عجیبی درباره‌ی مسیح شنیده بودند. آنها شنیده بودند که مسیح کارهای عجیبی می‌کند و قدرتی دارد که مردم عادی ندارند. او می‌توانست بیماران را فوراً شفا دهد، کوران را بینا کند، کران را شنوا و افلیجان را شفا دهد. آیا آنها باید این داستانها را باور می‌کردند؟ آیا می‌توانستند باور کنند که نجار ساده شهر ناصره، آنطور که مردم می‌گفتند، اکنون معلم و نبی بزرگی شده است؟ آنها مطمئن نبودند. اگر آنها تنها می‌توانستند معجزات بزرگ او را دوباره ببینند... اگر قدرت مسیح را به چشم خود می‌دیدند، شاید آن وقت باور می‌کردند.

۱. عیسی مسیح عهد عتیق را می‌خواند.

لوقا ۴ : ۱۴ - ۱۹

تصویر شماره ۹ را نشان دهید

روزی عیسی به شهر خودش ناصره برگشت. طبق معمول روز سبت به کنیسه مکانی که یهودیان برای پرستش خدا جمع می‌شدند. در کنیسه رسم این بود که از کلام خدا می‌خواند سر پا می‌ایستاد. بعد می‌نشست! پس عیسی بلند شد و خواند. طومار اشعیا را به او دادند. طومار را باز کرد و شروع به خواندن کلام کرد.



«روح خداوند یهوه بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت
دهم و مرا فرستاد تا شکسته دلان را التیام بخشم و اسیران را به رستگاری و محبوسان را به
آزادی ندا دهم.» (اشعیا ۶۱: ۱)

۲. عیسی مسیح کلام خدا را به کمال می‌رساند.

لوقا ۴ : ۲۰ - ۲۱

تصویر شماره ۱۰ را نشان دهید

مسیح طومار را پس داد و نشست. همه به او خیره شده بودند.

عیسی گفت: «امروز این کلام حقیقت پیدا کرده است.»

مردم بسیار تعجب کرده بودند! او ادعا می‌کرد که آنچه اشعیا نبی چند صد سال پیش پیشگویی
کرده بود به انجام رسید. اشعیا گفته بود که کسی خواهد آمد که خبر خوشی برای فقیران دارد،
تعلیم خواهد داد، کوران را شفا خواهد داد و مردم را از گناهانشان نجات خواهد داد. عیسی به
مردم ناصره می‌گفت که او همان کسی است که اشعیا درباره‌اش صحبت کرده است.



۳. مردم پسر خدا را رد می‌کنند.

لوقا ۴ : ۲۲ - ۲۸

احتمالاً مردم در بین خود می‌گفتند: «این همان عیسی پسر یوسف نیست؟» آنها نمی‌توانستند این را
باور کنند که این عیسی، عیسی نجار که قبلاً در شهرشان زندگی می‌کرد، احتمالاً همان مسیح
موعود و پسر خداست. آنها باورشان نمی‌شد که او پسر خداست.

سپس عیسی راجع به انبیایی صحبت کرد که آنها می‌شناختند (ایلیا و الیشع). به آنها یادآور شد که
آن مردان بزرگ برای کمک به مردم معجزاتی انجام دادند. اما به مردم خودشان کمکی نکرده بودند
چون احتمالاً آنها باور نداشتند که این پیامبران فرستادگان خدا هستند.

مردم عصبانی شدند. آنها می‌خواستند عیسی معجزه کند. اگر طبق کلام، او همانی بود که کوران را
بینا می‌کرد، از او می‌خواستند که فوراً معجزه‌ای شبیه به آن انجام دهد.

تصویر شماره ۱۱ را نشان دهید

چون عیسی مسیح در آنجا معجزه‌ای نکرد، مردم غضبناک شدند و او را از کنیسه
بیرون انداختند.



۴. شیطان در پی نابودی عیسی مسیح است.

لوقا ۴ : ۲۹ - ۳۰

تصویر شماره ۱۲ را نشان دهید

مردم او را کشان‌کشان به بالای صخره‌ای بردند تا او را از آنجا به پایین پرت کنند و برای همیشه از دست او خلاص شوند!

اتفاق عجیبی افتاد. عیسی از میان مردم ناپدید شد. هیچ کس نمی‌توانست مانع او شود. معجزه شد! این خدای پدر بود که او را نجات داد.

عیسی از ناصره بیرون رفت چون مردم آن شهر او را نمی‌خواستند. او آنجا هیچ معجزه‌ای نکرد چون مردم آنجا ایمان نداشتند که او پسر خداست (مرقس ۶ : ۶

و متی ۱۳ : ۵۸)

عیسی به جهانی آمده بود که خود آفریده بود ولی قوم خودش او را قبول نکردند (یوحنا ۱ : ۱۱). آنها باید به یاد می‌آوردند که وقتی عیسی پسر کوچکی بود، چه زندگی کاملی داشت. آنها باید می‌دانستند که کسی که زندگی‌اش مطابق موعظه‌اش باشد، باید از طرف خدا بوده باشد.

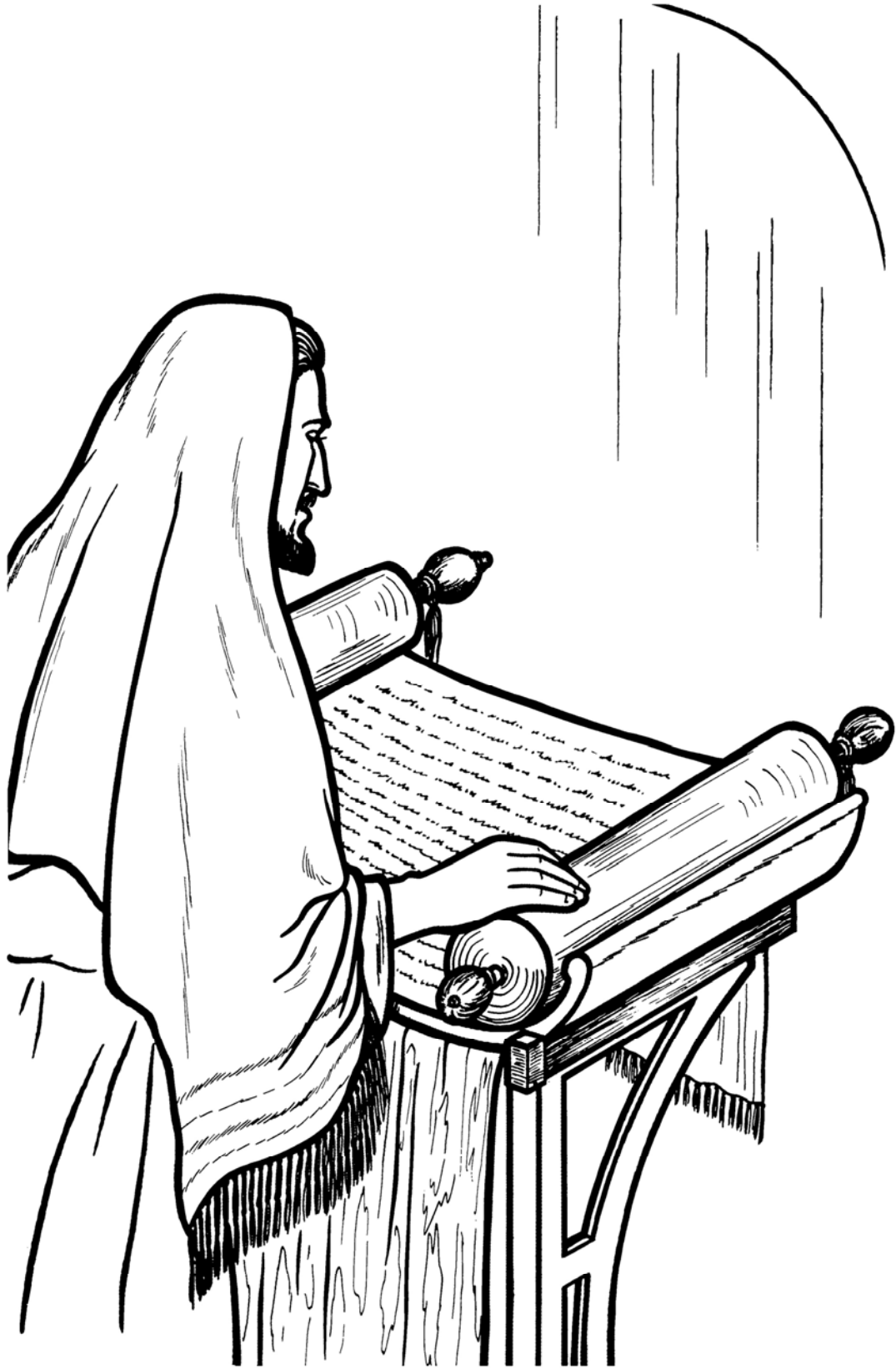
کسی دیگری هم بود که از بودن مسیح در ناصره خوشحال نبود. او شیطان بود که چندین بار در پی نابودی مسیح تلاش کرد. او نمی‌خواست که مردم ناصره به او گوش بدهند و به او ایمان بیاورند. پس کاری که در برابر عیسی بایستند. وقتی که مردم را دید که عیسی را کشان‌کشان به سوی پرتگاه می‌بردند، حتماً فکر کرد که این بار عیسی از بین می‌رود ولی باز موفق نشد. زیرا که قدرت خدا بالاتر از قدرت شیطان است.

مردم ناصره از خدا کمک نخواستند. در عوض به شیطان اجازه دادند تا از نیرویش علیه نجات‌دهنده جهان استفاده کند. چه غم‌انگیز!

چه قدرتی زندگی شما را کنترل می‌کند؟... قدرت خدا یا قدرت شیطان؟ اگر شما عیسی مسیح را به عنوان نجات‌دهنده خود قبول کنید قدرت خدا در شما کار خواهد کرد و زندگی شما را کنترل خواهد کرد تا خواست او را به جا بیاورید.

(معلم عزیز: آیا هدف خود را از آموختن این درس به شاگردانتان تعیین کرده‌اید؟ واضح است که عیسی مسیح اجازه داد تا قدرت خدا زندگی‌اش را کنترل کند. اگر به او اجازه دهیم، خداوند می‌خواهد زندگی ما را کنترل کند. اما او قدرتش را به کسانی می‌دهد که از طریق ایمان به مسیح به او تعلق دارند. شاگردان خود را تشویق کنید که به پسر خدا اعتماد کرده و به عنوان نجات‌دهنده بپذیرند.)





درس ۳: تصویر شماره ۱



درس ۳: تصویر شماره ۲



درس ۳: تصویر شماره ۳



درس ۳: تصویر شماره ۴

درس چهارم

شیطان

قسمت مورد مطالعه کلام : حزقیال ۲۸: ۱۱-۱۹، اشعیا ۱۴: ۱۲-۱۵

هدف درس: شیطان واقعاً کیست؟

آنچه شاگردان شما باید بدانند: شیطان همیشه سعی می‌کند که مردم را از ایمان به عیسی مسیح منع کند و ایمانداران را در گناه بیندازد ولی فقط با قوت خدا است که می‌توان بر شیطان پیروز شد.

آنچه شاگردان شما باید احساس کنند: نیاز به شناخت عیسی مسیح و توکل به او

آنچه شاگردان شما باید انجام دهند:

نجات نیافته‌گان: به عیسی پسر خدا به عنوان نجات‌دهنده خود ایمان آورند.

ایمانداران: به خدا گوش دهند و او را اطاعت کنند. به گناهان خود اعتراف کنند.

رئوس مطالب درسی (جهت اطلاع معلم و شاگردان):

۱. لوسیفر، فرشته نور، شیطان می‌شود (حزقیال ۲۸: ۱۱-۱۹، اشعیا ۱۴: ۱۲-۱۵).

۲. آدم و حوا توسط شیطان فریب خورده و گناه می‌کنند (پیدایش ۳: ۱-۲۴).

۳. مسیح برای گناهکاران مرد (پیدایش ۳: ۱۵).

۴. شیطان مغلوب شد (مکاشفه ۲۰: ۱۰).

آیه حنفی:

ای فرزندان، شما از خدا هستید و بر ایشان غلبه یافته‌اید زیرا او که در شماسست، بزرگتر است از

آنکه در جهان است. (اول یوحنا ۴: ۴)

قابل توجه معلم:

در سه درس اول دیدیم که چطور شیطان می‌خواست مسیح را از بین ببرد. امروز مرور گذرایی از این سه درس خواهید داشت. سپس چند نکته جدید درباره شیطان می‌آموزیم. در دروس آینده، بیشتر از او خواهیم آموخت.

مطمئناً شما و شاگردانتان اول یوحنا ۴: ۴ را از بر می‌دانید.

درس

۱. لوسیفر، فرشته نور، شیطان می شود.

حزقیال ۲۸ : ۱۱-۱۹ ، اشعیا ۱۴ : ۱۲-۱۵

تصویر شماره ۱۳ را نشان دهید

لوسیفر، ستاره صبح، یکی از فرشتگان منتخب خدا بود که در بهشت ساکن بود. او قبل از آفرینش آدم و حوا آفریده شده بود. ستاره صبح بسیار زیبا بود. سنگهای قیمتی، مثل الماس و یاقوت، روی لباسی از طلا برای لوسیفر دوخته شده بود. چه رنگارنگ و قشنگ! کتاب مقدس می گوید که او در زیبایی و حکمت کامل بود و در حضور خدا زندگی و از او اطاعت می کرد.



این فرشته زیبا به رهبری فرشتگان بسیاری انتخاب شده بود. کتاب مقدس می گوید که او از هر نظر کامل بود و گناهی در او نبود. هیچ کار خطایی از او سر نمی زد. او خدای متعال را به عنوان سرور خود، پر جلال ترین و قدرتمندترین پرستش می کرد.

اما لوسیفر برای اولین بار، فکر بدی به سرش زد. دیگر نمی خواست که خداوند عالی است. اما فکر کرد که خودش چقدر زیباست. فکر اشتباهی به سرش زد: «می خواهم مانند خدا بالاترین باشم. قدرت و جلال او را می خواهم.» لوسیفر می خواست جای خدای متعال را بگیرد. فکر کنید! او دیگر از رهبری فرشتگان دیگر خوشحال نبود. او می خواست فرشته ها همانطور که خدا را می پرستند او را پرستش کنند.

او همانطوری که این افکار را در سر می پروراند، نقشه ای کشید: «من به بالاترین جا در بهشت خواهم رفت و تخت خود را بالای تخت خدا قرار خواهم داد و بر همه چیز فرمانروایی خواهم کرد.» میل او به قدرت بیشتر و بیشتر می شد. او می خواست به مقام خدایی برسد. این خواسته فرشته نور اولین گناه بود.

خدای قدوس است نمی توانست اجازه بدهد که گناهی، غرور، حتی در آسمان باشد. بنابراین، خدا فرشته نور را با گرفتن مقامش تنبیه کرد. دیگر نام او، لوسیفر یا ستاره صبح نبود و اسم او به شیطان (ابلیس) تبدیل شد.

شیطان چقدر از خدا متنفر شد! دیگر هرگز از خدا اطاعت و به او خدمت نکرد. حالا خودش به تنهایی حکومت می کرد. او از همه نقشه های خوب خدا متنفر بود و تصمیم گرفت که همه نقشه ها

را با قدرتی که خدا در اختیارش گذاشته بود خراب کند. شیطان نقشه‌های خودش را داشت، نقشه‌های شیرانه‌ای که بر ضد خدا کار می‌کرد.

۲. آدم و حوا توسط شیطان فریب خورده و گناه می‌کنند.

پیدایش ۳ : ۱ - ۲۴

تصویر شماره ۱۴ را نشان دهید

وقتی خدا اولین مرد و زن را آفرید شیطان خواست که او را پرستش کنند، همانطور که از فرشتگان می‌خواست او را پرستند. همه چیز در باغ عدن زیبا و کامل بود. هیچ حیوان وحشی آنجا نبود، هم رام و مهربان بودند. حتی مارها هم بی‌خطر و زیبا بودند. چیزی در آن مکان زیبا نبود که آدم و حوا از آن بترسند. پس شیطان به صورت ماری درآمد و به سوی حوا رفت. در آن باغ دوست‌داشتنی شیطان حوا را وسوسه کرد تا از خدا سرپیچی کند. حوا به مار گوش داد. باور می‌کنید؟ و تصمیم گرفت تا از خدا سرپیچی کند. این کار گناه بود. آدم هم همینطور از خدا سرپیچی کرد. از آن وقت بود که همه با گناه و به صورت گناهکار به دنیا می‌آیند (به جز عیسی مسیح). این به خاطر شیطان یعنی همان دشمن خدا بود.



۳. مسیح برای گناهکاران مرد.

پیدایش ۳ : ۱۵

ولی خدا نگذاشت که شیطان نقشه خود را به انجام رساند و آنها را نقش بر آب کرد. خدا قول داد که نجات دهنده‌ای خواهد فرستاد و شیطان را نابود خواهد کرد (پیدایش ۳ : ۱۵). شیطان بسیار عصبانی بود و سعی می‌کرد که از عملی شدن وعده خدا جلوگیری کند. او می‌دانست که نجات دهنده از قوم اسرائیل خواهد آمد. پس او چندین بار سعی کرد که قوم یهود را از بین ببرد. او از این قوم برگزیده خدا بدش می‌آمد ولی خدا نمی‌گذاشت که قوم خاص او نابود شود. هر قدر که شیطان تلاش کرد، نتوانست نقشه خود را خراب کند. او نتوانست از آمدن مسیح موعود جلوگیری کند. عیسی نجات‌دهنده بود و شبی در بیت‌لحم به دنیا آمد. شیطان تسلیم نشد. شیطان توسط هیروودیس خواست که عیسی نوزاد را نابود کند. هیروودیس دستور داده بود که اطفال پسر کمتر از دو سال را بکشند ولی خدا با بردن مریم و یوسف به خارج از بیت‌لحم (به مصر) از عیسی محافظت کرد.

شیطان سعی کرد که عیسی را به گناه بیندازد. اگر می توانست عیسی را نافرمانی از خدا وادارد دیگر عیسی کامل نبود. او کامل نمی بود و نمی توانست مردم را از گناه نجات دهد. اما خدا قوی تر از شیطان است. چون مسیح، پسر خداست پس گناه نکرد.

آیا شیطان از جنگ با خدا دست برداشت؟ خیر! بار دیگر سعی کرد با دام انداختن مردم شهر ناصره به ضد مسیح او را نابود کنند. مردم ناصره به مسیح هجوم آورده می خواستند او را از پرتگاه به پائین بیندازند ولی خدا از پسرش محافظت کرد. مردم نتوانستند عیسی را بکشند چون وقت آن نبود که عیسی بمیرد. خدا ثابت کرد که قوی تر از شیطان است و وعده هایش همیشه عملی می شوند.

تصویر شماره ۱۵ را نشان دهید

عیسی مسیح همیشه مطیع پدر بود و اراده او را انجام می داد. او زندگی کاملی بر روی زمین داشت و او قربانی پسندیده خدا بود که بر صلیب جان داد. با مرگ مسیح، به نظر می رسید که شیطان پیروز شده ولی این پایان ماجرا نبود. اما شیطان غافلگیر شد!



۴. شیطان مغلوب شد.

مکاشفه ۲۰ : ۱۰

تصویر شماره ۱۶ را نشان دهید

پس از سه روز عیسی مسیح از مردگان قیام کرد. عیسی مسیح با مرگ و قیامش بر شیطان پیروز شد و اکنون زنده است. روزی که شیطان باید به خاطر گناه و نافرمانی مجازات شود نزدیک می شود. او برای ابد در دریاچه آتش افکنده خواهد شد (مکاشفه ۲۰ : ۱۰)، همانگونه که خداوند وعده داده است.

امروز شیطان چه کار می کند؟ اگر چه او را با چشمان خود نمی بینیم لیکن او بسیار مشغول است. او همیشه سعی می کند که مردم را از ایمان به مسیح منحرف کند (۲ قرن تیان ۴ : ۳ و ۴). ما همه گناهکاریم. همه ما راهی به جز راه خدا را انتخاب کرده ایم (اشعیا ۵۳ : ۶). گناه ما را اسیر خود کرده است. دستها، پاها و همه اعضای بدن ما با طناب گناه بسته شده اند. چون همه ما در بندیم هیچکس به دیگری نمی تواند کمک کند. ولی دستها و پاهای شخص دیگری آزاد است. او هرگز گناه نکرد! او پسر بی گناه خداست، کسی که می تواند از گناهی که ما را اسیر کرده نجات دهد. وقتی ما به او ایمان آوریم و قبول کنیم که او به خاطر گناهان ما بر صلیب مرد و او را به عنوان نجات دهنده خود در زندگی بپذیریم او گناهان ما را می آمرزد و ما را آزاد می کند و ما عضو خانواده خدا می شویم.



با وجود اینکه ما فرزندان خود شده‌ایم ولی شیطان دست بردار نیست. و سعی می‌کند که ما، فرزندان خدا، را وسوسه کند تا گناه کنیم: دروغ بگوییم، دزدی و تقلب کنیم، بیزاری کنیم، دعوا کنیم، مغرور شویم و از خدا سرپیچی کنیم (اعمال ۵ : ۳ و اول پطرس ۵ : ۸).

ما نمی‌توانیم با قدرت خودمان بر شیطان پیروز شویم. او قویتر از ماست. چگونه می‌توانیم بر کسی که از ما قویتر است پیروز شویم. کلام خدا به ما می‌گوید که خود را به دستان خدا بسپاریم و از او اطاعت کنیم. اگر شیطان در برابر ما بایستد با کمک خدا می‌توانیم از دستش رهایی پیدا کنیم (یعقوب ۴ : ۷). ولی شیطان که پدر همه دروغگوها است تسلیم نمی‌شود (یوحنا ۸ : ۴۴). اگر شیطان بتواند شما را در گناه بیندازد، پیش خدا می‌رود و به او می‌گوید که شما بد هستید. او می‌خواهد که شما را به دردسر بیندازد.

اگر یکی از فرزندان خدا گناه کند، چه باید کند؟ باید گنااهش را اعتراف کند و به سوی خدا بازگردد. خداوند از کسانی که از کارشان پشیمان هستند می‌بخشد (اول یوحنا ۱ : ۹).

امروزه می‌بینیم که مردم بیشتر به صدای شیطان گوش می‌دهند تا به صدای خدا، ولی یک روزی همه مردم در برابر عیسی مسیح زانو خواهند زد (رومیان ۱۴ : ۱۱ و فیلیپیان ۲ : ۹-۱۱). شیطان و همه کسانی که او را پیروی کردند برای همیشه در دریاچه آتش افکنده خواهند شد.

شما جزو چه کسانی هستید؟ آیا پیرو خدا هستید یا پیرو شیطان؟ بدانید که پیروان خدا همیشه پیروزند! اگر شما می‌خواهید به مسیح ایمان آورید، لطفاً بعد از کلاس به من بگویید. خوشحال می‌شوم که راجع به این موضوع با شما صحبت کنم.

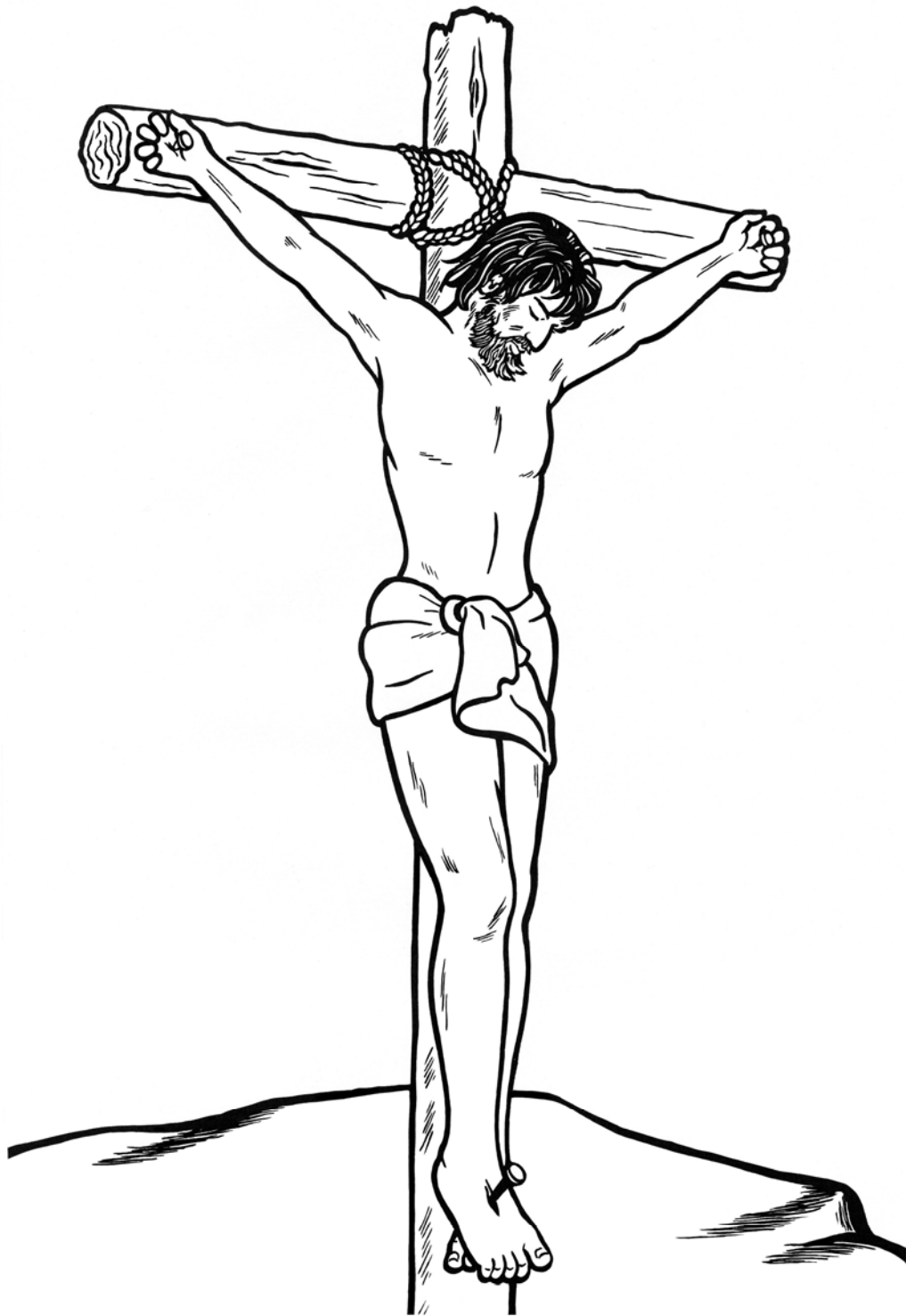
معلم عزیز: پیش از اینکه به کتاب بعد برویم، مطمئن شوید که شاگردان شما همه این مطالب را کاملاً درست فهمیده‌اند. برای اینکه مطمئن شوید، می‌توانید چند سؤال از آنها پرسید.

۱. قبل از اینکه خدا آدم و حوا را بیافریند، شیطان کجا بود؟ (بهشت)
۲. ظاهر شیطان در بهشت چگونه بود؟ (زیبا)
۳. شیطان چه مقام بزرگی در بهشت داشت؟ (خدا او را پسر نور خواند)
۴. شیطان چه کاری کرد که باعث شد از مقام خود برکنار شود؟ (او می‌خواست بالاتر از خدا قرار بگیرد)
۵. حالا شیطان دوست یا دشمن خداست؟ (دشمن)
۶. چه کسی بزرگتر است؟ شیطان یا خدا؟ (خدا)
۷. آیا شیطان می‌خواهد که مردم نسبت به خدا گناه کنند؟ (بله!)
۸. ما باید چه کاری انجام بدهیم تا فرزندان خدا شویم؟ (ایمان بیاوریم که عیسی پسر خداست. او مرد و قیام کرد و او را به عنوان نجات‌دهنده خود بپذیریم)
۹. اگر بعد از ایمان آوردن به مسیح گناه کردیم چکار باید بکنیم؟ (اعتراف)
۱۰. آیه حفظی این درس چیست؟ (اول یوحنا ۴ : ۴)





درس ۴ : تصویر شماره ۲



درس ۴: تصویر شماره ۳



درس ۴: تصویر شماره ۴